

تأثیرپذیری تعاملی کتب روایی در بستر رهیافت‌های درون و برون‌متنی - مطالعه‌ی موردی: «تاریخ الانبیاء بحار الأنوار» و «النور المبین جزائری»

محسن خاتمی

دانشجوی کارشناسی ارشد
علوم حدیث دانشگاه تهران،
mohsenkhatami76@gmail.
com

چکیده: امکان‌سنجی میزان تأثیرپذیری دوسویه‌ی میان مکتوبات، در بازشناسایی تاریخ اندیشه و فضای گفتمانی غالب بر خوانش‌گران حوزه‌ی اندیشه‌ورزی می‌تواند از اهمیت به‌سزایی برخوردار باشد. کتب روایی نیز از این قاعده مستثنا نبوده و در شمار این فضای ترسیمی پیش‌گفته قرار می‌گیرند. در نوشتار حاضر به عنوان یک مطالعه‌ی موردی در تأثیرپذیری تعاملی کتب روایی، با عنایت به اهمیت موضوع تاریخ انبیاپژوهی، این سنج‌های تأثر، اختصاصاً در دو مکتوبه با محوریت سرگذشت پیامبران ردیابی گردیده است. بدین منظور بخش «کتاب النبوة» بحار الأنوار (مشمول بر جلد‌های ۱۱ تا ۱۴) و النور المبین در دو خوانش رهیافتی، شامل رویکرد مؤلف‌محور و متن‌محور به‌طور تطبیقی مورد ارزیابی است. برجسته‌سازی رابطه‌ی استاد و شاگردی میان علامه مجلسی رحمته‌الله و محدث جزائری رحمته‌الله، نیز پیش‌گامی جزائری در هم‌فکری علمی به استاد خویش، اصلی‌ترین شاخصه‌ی رویکرد مؤلف‌محور به‌شمار آمده، به‌طوری که معاضدت در شرح‌نویسی بر برخی احادیث مشکل و حل‌پاره‌ای مصالح تألیفی، به‌عنوان یاری‌رسانی وی بر قوام یافتن بحار الأنوار قابل شناسایی است. در خوانش متن‌محور نیز شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دو کتاب محل اعتنا بوده و تأثیرپذیری تعاملی و دوسویه‌ی دو کتاب ترسیم شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، بحار الأنوار، النور المبین، علامه مجلسی، محدث جزائری، حدیث، تاریخ پیامبران.

تاریخچه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۸/۹/۸
پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۱۲

۱. مقدمه

ارزیابی و واکاوی میزان تأثیرپذیری تعاملی کتبی که در یک حوزه‌ی اندیشگانی خاص به رشته‌ی تحریر درآمده در مقیاس‌سنجی فضای گفتمانی حاکمه بر آن مکتوبات، می‌تواند رهیافتی کارآمد تلقی گردد. در بستر این رهیافت، بازشناسایی ضمنی تاریخ اندیشه با خوانش‌گری و نیز امکان‌سنجی این تأثیر دوسویه‌ی میان کتب، قابل ردیابی است. این راهکار پیش‌گفته در کتاب‌های روایی با یک حوزه‌ی اندیشه‌ورزی خاص نیز قابل ترسیم و پیاده‌سازی است. از آنجا که یکی از راه‌های نیل به سعادت و گام نهادن در مسیر دست‌یابی به هدایت، عبرت‌گیری از زندگی انبیای سلف است و در آیاتی، خدای تعالی نقل، شرح و تبیین قصص انبیاء را جهت تثبیت قلب حضرت رسول ﷺ کارآمد دانسته است (به عنوان نمونه: نک: هود، ۱۲۰)، از این‌رو در نوشتار حاضر با عنایت به اهمیت موضوع تاریخ انبیاپژوهی، این‌سنجه‌ی تأثیر در دو مکتوبه‌ی روایی که مشتمل بر احادیث سرگذشت پیامبران ﷺ بوده به عنوان یک نمونه‌ی مطالعه، مورد ارزیابی قرار گرفته است. از میان ۱۱۰ جلد محتوای کتاب بحار الأنوار بخش «کتاب النبوة» (مشتمل بر جلد‌های ۱۱ تا ۱۴) و نیز کتاب النور المبین، خاستگاه این تتبع بوده که در دو خوانش رهیافتی، شامل رویکرد مؤلف‌محور و متن‌محور به‌گونه‌ای تطبیقی مورد مطالعه خواهد بود. بدین منظور و جهت سامان‌دهی

این بحث، ابتدا اشارتی به شمای کلی دو کتاب، ارزیابی اجمالی و اختصاری از ویژگی‌های برجسته‌ی آنها خواهد رفت و پس از نگرش کلی در چگونگی گردآوری روایات حوزه‌ی تاریخ انبیاء علیهم‌السلام به بحث تأثیرپذیری دوسویه و تعاملی این دو کتاب، از رهگذر التفات به رهیافت‌های درون و برون‌متنی، که در این نوشتار به رهیافت «مؤلف‌محور» و «متن‌محور» نام‌دار است، پرداخته می‌شود.

توجه به شباهت‌ها، تفاوت‌ها و وجه تمایز میان آنها، در یک احتمال عقلایی، میزان تأثیرپذیری کتاب متأخر (النور المبین) از کتاب متقدم (بحار الأنوار) را با تتبع آشکارا به دست خواهد داد. پژوهش حاضر، به شیوه‌ی کتاب‌خانه‌ای به تجزیه، تحلیل و مقایسه‌ی دو کتاب پرداخته، اما علاوه بر احتمال عقلایی پیش‌گفته، امکان تأثیرپذیری مستقیم یا غیرمستقیم علامه مجلسی، به‌عنوان صاحب کتاب متقدم، از محدث جزائری نیز مورد واکاوی قرار گرفته است.

۲. نگاهی اجمالی به محتوای کتب

۱.۱. ارزیابی محتوایی بخش تاریخ الانبیاء کتاب بحار الأنوار

گنجینه‌ی سترگ دائرة المعارف‌گونه‌ی روایی شیعی و عظیم‌ترین جامع روایی شیعه در دوره‌ی متأخرین موسوم به «بِحَارُ الْأَنْوَارِ الْجَامِعَةُ لِذُرْرِ أَخْبَارِ أُمَّةِ الْأَطْفَارِ علیهم‌السلام» بوده که توسط علامه محمدباقر مجلسی (د. ۱۱۱۰ ق) و با یاری برخی شاگردان در ۲۵ جلد حجیم تنظیم شده (امین، ۱۴۰۶ ق، ج ۹، ص ۱۸۳) که از جمله مهم‌ترین ایشان سید نعمت‌الله جزائری است (مهدوی‌راد، بی‌تا، ص ۹۸). تمام محتوای این کتاب اولین بار، به صورت چاپ سنگی که معروف به کمپانی است در ۲۵ جلد رحلی منتشر شد. اما چاپ جدید و مشهور امروزی بحار

الأنوار، توسط دارالکتب الإسلامية، در ۱۱۰ جلد تهیه شد. در سال ۱۴۰۳ قمری مؤسسه‌ی الوفاء و دار‌احیاء التراث العربی در بیروت این کتاب را به صورت افست از روی چاپ ایران در ۱۱۰ جلد منتشر کرد (عابدی، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۸۴).

«کتاب النبوة» بحار الأنوار، چهار جلد از چاپ جدید را شامل می‌شود: جلد ۱۱ الی ۱۴ (جلد پنجم چاپ قدیم). علامه مجلسی این کتاب را با باب: «معنی النبوة و علة بعثة الأنبياء ﷺ و بیان عددهم و أصنافهم و جمل أحوالهم و جوامعها» آغاز کرده است که در این باب به معنای نبوت، چرایی بعثت انبیاء و ارسال رسل به سوی انسان‌ها و تعداد انبیاء و ... پرداخته است (همو، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱، صص ۶۱-۱).

علامه مجلسی طبق شیوه‌ی مرسوم خود، ابتدا آیات مرتبط با این بحث را مطرح می‌کند که به نوع خود منهجی بدیع به نظر می‌رسد چراکه شامل تفسیر موضوعی قرآن نیز گردیده است. ذیل آیات مطروحه به تفسیر آیات پرداخته می‌شود که بیش از همه از «مجمع‌البیان» شیخ طبرسی بهره برده است و در برخی موارد به اقوال صحابه و تابعان نیز اشاره می‌گردد. به نظر می‌رسد اغلب این موارد از کتاب طبری اخذ شده باشد.

سپس علامه مجلسی به روایات در ذیل «ابواب نبوة العامة» می‌پردازد که اغلب ناظر بر مقدمات بحث نبوت و انبیاء است و علاوه بر مطالب پیش گفته، شامل مطالبی هم‌چون: «نقش انگشترهای انبیاء، شغل ایشان، علت بعثت، علت معجزه و عصمت انبیاء» نیز می‌گردد. روایات این مباحث از ۱۰۰ عدد تجاوز می‌کند و در نقل این روایات از کتب متقدم شیعه هم‌چون: نهج البلاغه:

سیدرضی، بصائر الدرجات: صفار قمی، المحاسن: برقی، الاختصاص: منسوب به شیخ مفید، الأمالی: شیخ طوسی، کمال‌الدین: شیخ صدوق، قصص الانبیاء: راوندی و تفسیر العیاشی بسیار بهره گرفته شده است.

پس از این مدخل‌ها، علامه مجلسی باب دیگری را ارائه می‌کند: «أبواب قصص آدم و حواء و أولادهما». این مدخل، خود شامل ۹ باب می‌شود که روایات به طور مختصر بر این مطالب اشاره دارد:

علت تسمیه نام آدم و حوا، معنای سجود ملائکه بر آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ و مدت درنگ وی در جنة، معنای ارتکاب ترک اولی آدم، تزویج آدم و حوا و چگونگی ادامه‌ی نسل بشر از این دو بزرگوار، قصه‌ی هابیل و قابیل، عمر حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ و قصه حضرت ادريس عَلَيْهِ السَّلَامُ.

موارد پیش‌گفته شامل تمامی حوادثی بوده که تا پیش از حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ واقع گردیده است و این نشان‌گر آن است که در بحار الأنوار، علامه مجلسی ابواب تاریخ الانبیاء را بر اساس تطور زندگانی انبیاء از ابتدا تا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان می‌کند؛ که البته شایان ذکر است که وی کتاب دیگری را غیر از کتاب النبوة به حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اختصاص داده و نام آن را «تاریخُ نبینا» نامیده است که از جلد ۱۵ تا آخر جلد ۲۲ بحار الأنوار را در بر می‌گیرد.

نیمه‌ی دوم تا بخش پایانی جلد یازدهم به تعدادی از انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ اشاره و روایات مطرح می‌شود که از حضرت نوح عَلَيْهِ السَّلَامُ تا حضرت صالح عَلَيْهِ السَّلَامُ و قومش را شامل می‌گردد که علامه در ۶ باب مجزا به ارائه‌ی آیات و تفسیر آنها و نیز نقل روایات همت می‌گمارد.

جلد دوازدهم به تمامی دربردارنده‌ی «ابواب قصص ابراهیم علیه السلام است، که خود شامل ۱۱ باب می‌شود، به عنوان نمونه: «قصص ولادت حضرت ابراهیم علیه السلام و نیز فرزندان ایشان، قصه‌ی آنکه ذبیح کیست؟ قصه‌ی حضرت لوط و قوم وی؛ قصص ذی القرنین، حضرت یعقوب، یوسف، ایوب، شعیب علیهم السلام»

جلد سیزدهم با باب کلی «ابواب قصص موسی علیه السلام و هارون علیه السلام» نامدار است و دربردارنده‌ی ۱۹ باب است که به قوم بنی اسرائیل پس از حضرت موسی و هارون نیز اشاره‌ای می‌شود. به عنوان نمونه: «داستان بلعم بن باعور، قصص حضرت یاس، ذالکفل، لقمان حکیم، اشموئیل و...».

جلد چهاردهم با باب «ابواب قصص داود» آغاز می‌گردد و با باب «ابواب قصص سلیمان بن داود» ادامه می‌یابد و به باب «ابواب قصص عیسی و أمه و أبویها» ختم می‌گردد که در آن از حضرت یونس متی و اصحاب کهف و اخبار حکمای بنی اسرائیل، دانیال، عزیز، اصحاب اخدود و ... یاد می‌شود.

در نهایت آنچه با بررسی‌ها می‌توان گزارش نمود این مطلب و نکته است که در مجموع این ۴ جلد یا به عبارتی دیگر در کتاب تاریخ الانبیاء (کتاب النبوة) بحار الأنوار، قریب به ۲۴۰۰ روایت شماره‌دار و بدون شماره به چشم می‌خورد که این خود نشان از جامعیت این کتاب دارد که این روایات، حدود یک‌سی‌ام تمام احادیث بحار الأنوار را شامل می‌گردد.

در کل، ۸۲ باب در این چهار جلد نام‌بردار بوده که تمامی روایات در ذیل و زیرمجموعه‌ی این ابواب توزیع شده است؛ البته نه حتماً به صورت مساوی! برخی از ابواب دارای کثرت روایت‌اند و برخی به تعداد عدد انگشتان یک دست

نمی‌رسد. آنچه در مورد نبوت لازم است دانسته شود در این ۸۲ باب ذکر گردیده است و توجه به سیره و زندگانی انبیاء علیهم‌السلام راهی است برای درک بهتر و معرفت بیشتر به ائمه اطهار علیهم‌السلام چراکه امامت تداوم مسیر رسالت و نبوت است، طبق آیهی «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری، ۲۳) که منظور از «علیه = نبوت» و مقصود از «المودة فی القربی = امامت» است. شیخ کلینی در کتاب الکافی «کتاب الحجّة» خود را از همین ابواب النبوة و ابواب الانبیاء علیهم‌السلام آغاز نموده و سپس با بحث امامت، کتاب الحجّة را مختوم می‌کند و بی‌شک این نکته‌ی توجه به توأمان بودن نبوت و امامت از سده‌های آغازین اسلام اعتقاد علمای بزرگ تشیع بوده است.

«حجّة» آن چیزی است که مردم را به سعادت رهنمون می‌کند، پیش از اسلام این رسالت بر عهده‌ی رسولان و انبیاء علیهم‌السلام بود؛ در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر عهده‌ی خود حضرت و پس از ایشان نیز هر یک از ائمه علیهم‌السلام مستمراً یکی پس از دیگری تا برپایی روز محشر؛ چراکه هیچ‌گاه زمین از حجت الهی خالی نمی‌گردد: «لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ إِمَامٍ قَائِمٍ بِحُجَّةِ اللَّهِ» (قمی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۳۵۹؛ ابن‌ابی‌زینب، ۱۳۹۷ ق، ص ۱۳۶؛ صدوق، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۱۸۷) نیز: «وَلَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ حُجَّةٍ مِنْهُمْ فِي كُلِّ عَصْرِ وَزَمَانٍ وَفِي كُلِّ وَقْتٍ وَأَوَانٍ» (همان، ج ۲، ص ۴۷۹)؛ هم‌چنین: «وَلَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْ قَائِمٍ مِّنَّا ظَاهِرًا أَوْ خَافٍ وَلَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ» (صدوق، ۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۲۰۲).

از جمله ویژگی‌های بحار الأنوار نقل تمام حدیث بدون تقطیع است تا قراین روایات بوسیله‌ی تقطیع از بین نرود (عابدی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۳۵). اما گاهی کتب حدیثی به گمان اینکه مطلب اصلی را گزارش خواهند نمود، به تقطیع

روایات دست زده‌اند که حاصل آن از بین رفتن قراین درون متنی از جمله فضای صدور و سیاق کلام است. بی‌تردید یکی از موارد مهم در فهم روایات قراین متصله کلامی و مقامی است که گاهی به دلیل این تقطیعات، فهم پژوهش‌گر امروزی را از روایات با مشکل‌ها و دشواری‌هایی مواجهه می‌کند. قراین ممکن است در صدر یا ذیل روایت باشند که با حذف آنها فهم ناقصی حاصل شود. گاه علامه مجلسی در مقاطعی به صورت اعتراض مشکل تقطیع را نسبت به مصادر روایی مطرح می‌کند به عنوان نمونه «اعتراض بر کلینی»: (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۶۵، ص ۳۷۴)؛ «اعتراض بر راوندی»: (همان، ج ۱۴، ص ۱۵۹).

دیگر ویژگی بحار الأنوار بهره‌گیری فراوان از اقوال علمای سلف اعم از شیعه و اهل تسنن در علوم مختلفی هم‌چون حدیث، تفسیر و ... است. به طوری که این کتاب می‌تواند به عنوان یکی از مصادر مهم جهت اطلاع بر آراء و اقوال علما قرار گیرد (عابدی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۵۳).

۲.۲. ارزیابی محتوایی التَّوْرُ الْمُبِينِ

«التَّوْرُ الْمُبِينِ فِي قِصَصِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ»، تألیف سید نعمت‌الله جزائری از شاگردان علامه مجلسی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۰۲، ص ۸۳) که در بردارنده‌ی زندگی‌نامه تعداد درخور تأملی از پیامبران الهی بوده که نام آنها در روایات شیعه ذکر گردیده است. مؤلف پیش از بیان قصص انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مقدمه‌ای در باب تعداد انبیاء، اشتراکات آنها، پیامبران اولوالعزم و تفاوت میان نبی و امام نگاشته است. وی داستان‌های قرآنی که در زمره‌ی «قصص الانبیاء» محسوب نمی‌شود، به سان داستان اصحاب کهف را نیز نقل نموده است. کتاب مورد

بحث، به زبان عربی بوده که در یک جلد توسط کتاب‌خانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته‌الله به چاپ رسیده است.

مؤلف در مقدمه‌ی کتاب، کتاب‌خانه‌ی تشیع را در موضوع تاریخ پیامبران نیازمند کتابی مختصر و مستند به روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام ذکر می‌کند. از این رو و با این انگیزه بوده که به خلق چنین اثری همت گمارده است (جزائری، ۱۴۰۴، صص ۲-۱). وی هم‌چنین این کتاب را شرحی تفصیلی درباره‌ی احوال انبیاء و سرگذشت زندگی آنان دانسته، آن را به خواست برادران دینی و در جهت تکمیل کتاب «ریاض الابرار فی مناقب الائمة الاطهار علیهم‌السلام» نوشته و آن را مشتمل بر مقدمه، ابواب، فصول و خاتمه قرار داده است (همان، ص ۱).

خاتمه‌ی مقدمه‌ی این کتاب به بحث عصمت انبیاء نام‌بردار است که جزایری با ذکر قول شیخ صدوق در بحث باورمندی اعتقادی به معصوم بودن «انبیاء، رسل، ائمه و ملائکه» از هر گونه پلیدی ین بحث را آغاز می‌کند و سپس به ذکر روایاتی پیرامون تأیید این دیدگاه همت می‌گمارد (همان، صص ۲۱-۱۱).

النور المبین در ۲۳ باب اصلی و یک خاتمه، درباره‌ی روایات پیرامونی بنی‌اسرائیل و پادشاهان وقت، تنظیم شده است که در چاپ کتاب‌خانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی رحمته‌الله تنها ۱۲ باب از آن به صورت مسلسل وار دارای شماره است و از باب ۱۳ تا ۲۳، ابواب دارای شماره‌ی ترتیبی نیستند (نک: همان، صص ۳۲۵ به بعد).

برخی از این ابواب ۲۳ گانه دارای زیرباب و عناوین فرعی بوده که نشان از روایات وارده‌ی بیشتری پیرامون آن نبی دارد. به عنوان نمونه نخستین باب

کتاب، پیرامون سرگذشت و زندگی‌نامه‌ی حضرت آدم، حواء و فرزندان ایشان است: «الباب الأول في قصص آدم و حواء و أولادهما» (همان، ص ۲۲) که دارای فصل یا زیر باب است:

۱. بیان فضیلت آدم و حواء، وجه تسمیه و آغاز خلقت ایشان و پرسش ملائکه پیرامون علت خلقت آدم.
۲. پیرامون سجده‌ی ملائکه و معنای آن سجده و تعلیم اسماء به ایشان
۳. پیرامون گناه آدم در خوردن میوه‌ی ممنوعه که مقصود ترک اولی است؛ نیز کیفیت پذیرش توبه و کلماتی که بدان تقرب جست.
۴. پیرامون ازدواج آدم و حواء و کیفیت آغاز نسل بشر و سرگذشت قابیل و هابیل.

شایان ذکر است که در دو فصل نخست آیات مرتبط با عنوان زیرباب در اوآن بحث ذکر گشته است (نک: همان، ص ۲۲ و ۳۱).

از دیگر ممیزات این کتاب، عدم ذکر شماره در کنار روایات هر باب است؛ اما بر طبق شمارشگر نرم افزار جامع الاحادیث در زیربخش «حدیث» تعداد احادیث، عدد ۱۰۸۰ روایت را به دست می‌دهد.

اهتمام سید نعمت‌الله جزائری در النور المبین نگارش کتابی مختصر و مستند به احادیث شیعی در موضوع تاریخ انبیاء بوده، با این مبنا به نقد کتب تاریخ انبیاء پیشین پرداخته و به اثبات وجه تمایز کتاب خویش همت گمارده است. سید جزائری ابتدا پیرامون کتاب مبسوط «وهب بن منبه» در سرگذشت پیامبران سخن رانده و معتقد است: «به دلیل اعتماد و هب بر احادیث جمهور اهل تسنن، ما بدان اعتمادی نداریم، چه آنکه راهی به سوی غایت مد نظر

نمی‌گشاید». درباره‌ی کتاب قطب راوندی باورمند به عدم اتقان ادله‌ی مطروحه بوده که حاجت به تکمله دارد؛ از این رو خالی از نقص نیست. اما پیرامون استاد خویش، علامه مجلسی می‌نویسد: «جلد پنجم از بحار الأنوار را به کتاب النبوة اختصاص داده و به تمام جوانب التفات داشته است اما در بیان مطلب از حد اعتدال خارج گشته و به تفضیل و اطاله کلام پرداخته است» (همان، ص ۳).

حاصل آنکه برخی شاخصه‌های کتاب النور المبین چنین قابل تلخیص است: عدم اعتماد به تواریخ عامه و روایات آنها، و تنها استمساک به روایات شیعی و روایات عامه به عنوان شاهی در حاشیه‌ی آن؛ رهیافت اختصار به سبب استفاده‌ی عمومی و سهل. اما لازم است توجه گردد که این امر اختصار موجب ارسال و انقطاع روایات گردیده است؛ البته تمامی اسناد روایی آن در دیگر کتب هم چون بحار الأنوار قابل‌ردیابی است.

در ادامه به امکان‌سنجی تأثیرپذیری دو کتاب از یک‌دیگر در دو رهیافت مؤلف‌محور و متن‌محور پرداخته می‌شود:

۳. امکان‌سنجی تأثیر با رهیافت مؤلف‌محور

از جمله مسبوق به سابقه‌ترین رهیافت‌های فهم معنای یک متن به عنوان پیش‌فرضی ناگزیر، آشنایی خوانش‌گر با شرح حال مؤلف است؛ چه آنکه متن از ذهن نویسنده تراوش کرده است و بدون داشتن اطلاعاتی از قبیل مشی و مرام مؤلف نمی‌توان معنای آثار او را دریافت (نک: پاینده، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۶). در این رویکرد «خاستگاه معنا شخصیت مؤلف است نه خود متن» (همان). هر چند این رویکرد هم‌چنان محل التفات اندیشوران علوم انسانی بوده، اما نظریه‌های

ادبی نوین در نقد آن قامت راست نمودند؛ از جمله «نقد نو، پسا ساختارگرایی و ...». این رهیافت به مثابه‌ی رویکردی غالب، در نوشتار حاضر نیز به عنوان مدخل ورود بحث در امکان‌سنجی تأثیرپذیری تعاملی النور المبین و بخش کتاب النبوة بحار الأنوار مورد استفاده قرار می‌گیرد. آنچه در اینجا بیش از هر موردی می‌تواند محل اعتنا باشد رابطه‌ی استاد و شاگردی میان علامه مجلسی و سید جزائری است. چه آنکه به گاه سخن از اهمّ شاگردان علامه مجلسی، سید نعمت‌الله جزائری به عنوان نخستین عالم مورد اشاره منابع قرار می‌گیرد (به عنوان نمونه: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۲، ص ۸۳؛ سبحانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۲، ص ۳۵۲). بر طبق برخی گزارش‌ها، سید جزائری ۳ اجازه از علامه مجلسی دریافت نموده که مبسوط‌ترین آن در فرجام نسخه‌ای از نهج البلاغه به نگارش درآمده است (نک: جزائری، ۱۴۱۸ ق، ص ۱۶۳ - ۱۵۷). این اجازات شامل اجازه‌ی روایت و اجتهاد بوده که مورد پیش‌گفته به سال ۱۰۹۶ به خط علامه‌ی مجلسی مرقوم گردیده است (همان؛ حسینی، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۳۹). از میان شاگردان علامه مجلسی که تعداد آنها بیش از هزار تن بر شمرده شده (جزائری، ۱۴۳۱ ق، ج ۳، ص ۳۱۲) برخی به سان میرزا عبدالله افندی (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۲، ص ۸۵) چنان مجذوب استاد خویش و تألیفات روایی او بوده که به عنوان نمونه، تمامی احادیث منقول در بحار الأنوار را قابل اعتماد دانسته‌اند، مگر آنکه به خلاف آن تصریح گردد (همان، ج ۱۰۷، ص ۱۷۹؛ نیز نک: عابدی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۲۵). سید جزائری خود نیز در گزارش‌هایی از مصاحبت‌های خود با علامه مجلسی سخن می‌گوید: «به‌هنگام تألیف بحار الأنوار شبانه‌روز در خدمت او (علامه مجلسی) و جهت شرح‌نویسی بر حل برخی احادیث مشکل کمک‌کارش

بودیم. گاهی مرا از خواب بیدار و در حل معضلات برخی روایات به من مراجعه می‌کرد» (جزائری، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۷۵). «استادم، صاحب بحار الأنوار، از میان بیش از هزار شاگردش تنها مرا برای اقامت شبانه در منزل خویش برگزیده بود؛ چراکه به گاه تألیف بحار الأنوار لاجرم باید جهت حلّ پاره‌ای مصالح تألیفی شب را نزد وی صبح می‌کردم» (همو، ۱۴۳۱ ق، ج ۳، ص ۳۱۲).

چنان‌که از گزارش‌های فوق مشهود است، سید نعمت‌الله جزائری در تألیف و گردآوری احادیث بحار الأنوار و حل مشکلات برخی اخبار مشکل که به «مشکلات الأخبار، معضلات الآثار و...» نام‌دار است^۱ (به عنوان نمونه نک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱، ص ۱۲۷؛ ج ۵، ص ۲۶۰) همکاری بسیاری با استاد خویش داشته است. این مطلب زمانی می‌تواند مهم‌تر جلوه کند که به گزارش‌هایی از فهرست مکتوبات علامه مجلسی پیرامون شرح احادیث مشکل در دست است توجه گردد؛ طبق برخی گزارش‌ها علامه مجلسی مکتوبه‌ای با نام «شرح الأحادیث الغامضة» دارد (درایتی «فنخا»، بی‌تا، ج ۱۸، ص ۹۵۷؛ ج ۳۶، ص ۵۴۳). بنابر آنچه گفته آمد طبق رهیافت مؤلف‌محور که در وهله‌ی نخست به شرح حال نگارنده معطوف است، می‌توان چنین اظهار داشت که سید جزائری به جهت مصاحبت و معاضدت بیش از هر شاگرد دیگری در خدمت استاد، امکان اثرگذاری و اثرپذیری تعاملی از علامه مجلسی را داشته است. به عبارت دیگر، همیاری محدث جزائری در حلّ احادیث مشکل که با عنوان «بیان» در ذیل روایات بحار الأنوار مشهود بوده، نمایانگر اثرگذاری وی بر علامه مجلسی و کتاب بحار الأنوار

۱. بحث حلّ شرح الحدیثی مشکلات و معضلات روایات به طور خاص در دانش «مشکل الحدیث» پیگیری

دارد. اثرپذیری جزائری نیز هم‌چون هر شاگرد دیگری، آشکارا مشهود است، چه آنکه خود سید جزائری از هیبت و عظمت علمی استاد اذعان به تپش قلب و اضطراب به گاه دیدار او دارد (جزائری، ۱۴۳۱ ق، ج ۳، ص ۳۱۲).

مطلب دیگری که در بخش رهیافت مؤلف محور قابل ذکر بوده، اساتید مشترک این دو عالم است. با تتبع در کتب تراجم و تطبیق آنها بر احوال این دو عالم چنین نتیجه‌ای حاصل می‌آید: «شیخ حر عاملی»^۱ و «ملا محسن فیض کاشانی» دو استاد مشترک علامه مجلسی و محدث جزائری هستند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۰۲، ص ۸۰ و ۸۱؛ سبحانی، ۱۴۱۸ ق، ج ۱۲، ص ۳۵۱؛ حسینی، ۱۴۱۰ ق، ص ۱۳۹؛ جزائری، ۱۴۱۸ ق، ص ۲۰۲ و ۲۱۵). این یافته به عنوان یک احتمال می‌تواند گزاره‌ی «احتمال تأثیرپذیری مشترک دو پی‌جوی دانش از یک استاد واحد» را به ذهن متبادر سازد. به هر روی به عنوان یک احتمال، چنین متصور است که محدث جزائری و علامه مجلسی به سبب وجود مناشئ واحد در اخذ حدیث از یک منبع یا جریان حدیثی تأثیر پذیرفته‌اند. گرچه این تنها یک احتمال عاری از مؤید است، اما در رهیافت مؤلف محور به جهت پارادایم‌های ویژه‌ی خود مهم تلقی می‌شود. فراتر از آنچه گفته آمد اما به نظر می‌رسد که تأثیرپذیری محدث جزائری از علامه مجلسی بیش از دیگر استادان خویش است، به عنوان یک نمونه می‌توان در بحث روایی «کیفیت تقدم خلقی مشیت و اراده» (نک: کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۴۸؛ صدوق، ۱۳۹۸ ق، ص

۱. شایان ذکر است رابطه‌ی میان شیخ حر عاملی و علامه مجلسی، رابطه‌ی استاد و شاگردی به مفهوم مصطلح نیست؛ به نظر می‌رسد حر عاملی، اجازه‌ی روایی به علامه مجلسی داده و شیخ اجازه است که عکس این عملکرد و اجازه‌ی روایی نیز از سوی مجلسی به حر عاملی صادر گردیده است.

۳۳۴) اعلام موضع جزائری را واکاوی نمود؛ وی در شرح این روایت ضمن نقل سخن دو استاد خود، فیض کاشانی و علامه مجلسی، اما نظر علامه را ترجیح می‌دهد (نک: جزائری، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۲۲۷).

بحث دیگری که در رهیافت مؤلف‌محور نیازمند ارزیابی بوده، بررسی تقدم زمانی نگارش این تألیفات است؛ چراکه یک احتمال عقلایی در این بحث نهفته است و آن، اینکه احتمال تأثیرپذیری اثر متأخر از تألیف متقدم خود طبق سنجش عقلایی وجود دارد، هرچند که در عالم واقع چنین رخ نداده باشد.

نگرشی به مقدمه‌ی محدث جزائری در «النور المبین» تردیدی باقی نمی‌گذارد که این اثر پس از «کتاب النبوة، بحار الأنوار» به رشته‌ی تحریر درآمده است. جزائری در وجه تمایز کتاب خویش به اشکالات احتمالی کتب پیش از خود اشاره می‌نماید و چنان‌که پیش‌تر نیز گفته آمد یکی از آن تألیفات در حوزه‌ی تاریخ انبیاء، بحار الأنوار است که به تمام جوانب آن التفات داشته است، اما محدث جزائری به دلیل پرداختن بیش از حد اعتدال مؤلف آن (یعنی علامه مجلسی) به بیان مطالب و تفضیل و اطاله‌ی کلام، متعرض نقد آن گردیده و در پی تألیفی بدیع به دور از اشکالات کتب پیشین برمی‌آید (نک: جزائری، ۱۴۰۴ ق، ص ۳). بنابراین پرواضح است که حداقل این بخش از کتاب بحار الأنوار که نام‌دار به «کتاب النبوة» بوده، پیش از النور المبین نگارش یافته است. بنابر گزارش‌های مکتوب در پایان هر مجلد، جلد پنجم قدیم بحار الأنوار که همین بخش تاریخ انبیاء آن است. در رمضان سال ۱۰۷۷ هجری نگارش آن به پایان رسیده است (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۴، ص ۵۲۲؛ عابدی، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۷۴). این در حالی است که زمان اتمام النور المبین، به بیان مؤلف آن محدث جزائری

در سال ۱۱۱۰ هجری رخ داده است (جزائری، ۱۴۰۴، ق، ص ۴۷۷). از این رو به عنوان یک احتمال عقلایی می‌توان سخن از تأثیرپذیری محدث جزائری از بحار الأنوار به میان آورد؛ چه آنکه خود نیز در تألیف آن کتاب نقش به‌سزایی داشته است. اما به نظر می‌رسد که این احتمال تا مّ نباشد، زیرا خود جزائری در سامان یافتن تاریخ انبیای بحار الأنوار بی‌تردید کمک‌کار علمی استاد خود بوده و این به معنای تأثیر گذاشتن مستقیم بر این کتاب است؛ به‌ویژه آنکه در نظر داشته باشیم گره‌ی برخی از معضلات اخبار و احادیث مشکل با هم‌فکری‌های جزائری گشوده شده باشد. لذا در یک جمع‌بندی از بخش رهیافت مؤلف محور می‌توان چنین اظهار داشت: جزائری ضمن تأثیرگذاری مستقیم در تألیف بحار الأنوار و ارائه‌ی هم‌فکری‌های خویش در بیانات ذیل احادیث، خود به گاه تألیف النور المبین آورده‌های علمی خود از سالیان مصاحبت با علامه مجلسی در کسوت شاگردی را در این مسیر نگارش به‌کار بسته، و در این مقام، تأثیر یافته از آن سال‌های شاگردی و بعدها همکاری بوده است.

۴. امکان‌سنجی تأثیر با رهیافت متن محور

التفات اصلی رهیافت مورد بحث، «متن» است، به طوری که اهمیت مؤلف در تعیین معنای متن کاهش می‌یابد و هم‌چون سابق، مؤلف خداوندگار متن تلقی نمی‌گردد (نک: پاینده، ۱۳۸۵، ش، ص ۲۸). به دیگر عبارت، در واقع شخصیت مؤلف حاشیه‌ای بر متن است و تنها گوشه‌نگاهی از مشی فکری وی مورد اعتنای خوانش‌گر متن است. رهیافت حاضر رویکردی پراهمیت در خوانش متن است، از این رو در نوشتار حاضر با التفات تام بر متن النور المبین و کتاب

النبوة بحار الأنوار در امکان سنجی تأثیرپذیری تعاملی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این امکان سنجی در ادامه در قالب دو بخش «شبهات‌ها» و «تفاوت‌های میان دو کتاب» ارزیابی می‌گردد:

۱.۴. شباهت میان دو کتاب

چنان‌که گفته آمد التفات این بخش بر متن دو کتاب استوار گردیده از این رو شباهت‌های اجمالی و تفصیلی که میان النور المبین و کتاب النبوة بحار الأنوار مشاهده شود؛ در امکان سنجی تأثیرپذیری آنها محلّ اعتنا قرار خواهد گرفت:

۱. دغدغه‌ی علامه مجلسی و محدث جزائری در توجه دادن به روایات شیعی ائمه علیهم‌السلام در تاریخ الانبیاء:

در خوانش مقدمه‌ی النور المبین اشارت رفت که انتقاد اساسی جزائری از برخی مؤلفانِ قصص انبیاء بهره‌گیری گسترده از روایات عامه بوده است؛ حال آنکه لزوم گردآوری سرگذشت پیامبران علیهم‌السلام از رهگذر احادیث ائمه علیهم‌السلام انگیزه‌ی تألیف جزائری برای این کتاب ذکر گردیده است (نک: جزائری، ۱۴۰۴ ق، ص ۳). این دغدغه‌ی گردآوری روایات شیعی ائمه علیهم‌السلام در یک مجموعه‌ی عظیم جامع نیز دغدغه‌ی اصلی علامه مجلسی بوده، به طوری که در نام کتاب آشکار آمده است: «بحار الأنوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الاطهار علیهم‌السلام». چنان‌چه از نتیجه‌ی رهیافت مؤلف‌محور در این بخش استفاده گردد، می‌توان چنین اظهار داشت که جریان حدیث‌پژوهی که علامه مجلسی به طور جامع در میان شاگردان خویش سامان‌دهی نمود، این دغدغه‌ی مشترک بهره‌گیری تا مّ از احادیث شیعی را در غالب یک فضای گفتمانی ایجاد کرد؛ بنابراین بسیار طبیعی می‌نماید که این

دغدغه در پدیده‌ای به سان تاریخ انبیاء پژوهی نیز در فردی هم‌چون محدث جزائری که در این گفتمان رشد علمی داشته، نهادینه‌سازی شده باشد.

۲. مصادر مشترک: توجه به منابع و مأخذ هر دو کتاب این نکته را به ذهن متبادر می‌سازد که از آثار مشترکی در گردآوری احادیث حوزه‌ی سرگذشت پیامبران علیهم‌السلام بهره برده‌اند. با مبنا قرار دادن کتاب النبوة بحار الأنوار (جلدهای ۱۱ تا ۱۴) و قیاس موردی احادیث با متن النور المبین جزائری، گفته‌ی فوق تصدیق می‌گردد.

۳. هر دو کتاب، تاریخ الانبیاء را از حضرت آدم علیه‌السلام آغاز نموده و به باب‌هایی موسوم به «باب ما ورد بلفظ نبی من الأنبیاء و فیه ذکر نبی المجوس» و «نوادر أخبار بنی اسرائیل و أحوال بعض الملوک» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۴، ص ۴۵۱، ۴۸۶ و ۵۱۳؛ جزائری، ۱۴۰۴ ق، ص ۴۵۴ و ۴۶۰) مطالب را به فرجام برده‌اند. مراجعه متناظر ابواب دو کتاب، مطابقت روند نام‌گذاری ابواب آنها را به اذهان متبادر می‌سازد؛ البته اندک اختلافاتی در الفاظ در توجه دادن به نام ابواب وجود دارد که در بخش اشاره به تفاوت‌ها بدان‌ها اشارت می‌گردد.

۴. هر دو کتاب از یک مکتب و مشرب فکری و از یک حوزه‌ی حدیثی نگارش و گسترش یافته‌اند. نمونه‌ای از این جریان فکری در تبیین احادیث ایشان را در تقیه‌ای بودن تعداد قابل توجهی از روایات می‌توان ردیابی نمود. از سبیل ذکر یک مثال از این تعامل مشترک با حدیث و تقیه‌ای خواندن آن را در روایت خلق حوا از دنده‌ی حضرت آدم می‌توان پی‌گرفت (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱، ص ۱۱۶؛ جزائری، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۸).

۵. یک نمونه از شباهت‌ها با التفات به رهیافت مؤلف محور معاصرت نگارش این دو کتاب است. چنان‌که گفته آمد نگارش کتاب النبوة بحار الأنوار در سال ۱۰۷۷ و النور المبین در سال ۱۱۱۰ هجری به اتمام رسیده است، از این رو دوران صفویه خاستگاه زمانی این کتب محل اعتنا است که در بررسی متناظر و تطبیقی تاریخ ادیان می‌تواند کمک‌کار پژوهش‌گر باشد.

۶. برخی از بیان‌ها ذیل احادیث در هر دو کتاب در لفظ مشابه است؛ در اینجا به چند نمونه اشاره می‌شود:

روایت بیست و پنجم از ابواب قصص حضرت داود، بحار الأنوار:

«نهج، نهج البلاغه: وَإِنْ شِئْتَ ثَلُثْتَ بِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَاحِبِ الْمَرَامِيرِ وَقَارِيٍّ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَلَقَدْ كَانَ يَعْمَلُ سَفَائِفَ الْخُوصِ بِيَدِهِ وَيَقُولُ لِحُلَسَائِهِ أَيُّكُمْ يَكْفِينِي بَيْنَهُمَا» یعنی: و اگر خواهی سومین [الگو و اسوه] را داود عليه السلام می‌گویم، که صاحب نی‌های نوازنده و خواننده‌ی اهل بشت است، با دست خود از برگ خرما زنبیل‌ها می‌بافت، و به هم‌نشینان خویش می‌گفت: کدام یک از شما در فروختن آن، مرا یاری می‌کند؟

این حدیث در خطبه‌ی ۱۶۰ نهج البلاغه استقرار یافته و چنان‌که مشهود است با حرف اختصار «نهج» در ابتدای حدیث مشاهده می‌گردد. اما مطلبی که در این بخش قصد پرداختن به آن وجود دارد، مقایسه‌ی بیان ذیل این حدیث در بحار الأنوار و النور المبین است.

در بحار الأنوار چنین ثبت شده است:

«بیان: قال الفيروزآبادي مزامير داود عليه السلام ما كان يتغنى به من الزبور و قال ابن

أبي الحديد: إن داود عليه السلام أعطى من طيب النغم و لذة ترجيع القراءة ما كانت الطيور لأجله تقع عليه و هو في محرابه و الوحش تسمعه فتدخل بين الناس و لا تنفر منهم لما قد استغرقها من طيب صوته ...» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۴، ص ۱۵).

محدث جزائری نیز با حذف مصادر کتب در النور المبین مطالب فوق را عیناً با زگویی می‌کند:

«أقول في اللغة مزامير داود ما كان يتغنى به من الزبور و قد أعطى من طيب النغم و لذة ترجيع القراءة ما كانت الطيور لأجله تقع عليه و هو في محرابه و الوحش تسمعه فتدخل بين الناس و لا تنفر منهم لما قد استغرقها من طيب صوته» (جزائری، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۴۱).

اما گاه این مشابهت «بیان» ذیل یک روایت خاص، تنها در مضمون است؛ به عبارتی دیگر این دست بیان‌ها با الفاظ مختلف در دو کتاب به کار رفته، اما افاده‌ی یک مفهوم می‌کند؛ به عنوان ذکر یک نمونه: «تبیین امر خدای تعالی به حضرت ادریس پیرامون درخواست نزول باران» (نک: مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱، ص ۲۷۶ مقایسه شود با: جزائری، ۱۴۰۴ ق، ص ۶۳).

۷. این مشابهت در بیان‌ها ذیل حدیث خلاصه نمی‌شود بلکه در توجه‌دهی به یک حدیث خاص نیز مورد اعتنا می‌تواند باشد. نگرش گسترده‌ی محدث جزائری به بحار الأنوار به گاه تألیف النور المبین در مواردی که در ادامه ذکر خواهد شد، آشکار می‌گردد:

در این بخش روی سخن، حدیثی است که سلیمان نبی عليه السلام را آخرین پیامبر و اردشونده به بهشت بر می‌شمارد. ابتدا نقل علامه مجلسی در بحار الأنوار ذکر

می‌گردد:

۱۶. «سر، السرائر من کتابِ أبانِ بنِ تغلبٍ ... عَنْ زُرَّارَةَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: أَخْرَجْتُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذَلِكَ لِمَا أُعْطِيَ فِي الدُّنْيَا» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۴، ص ۷۴).

مصدر این حدیث کتاب السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی ابن ادریس حلی است، اما به هنگام مراجعه به کتاب پیش گفته، این حدیث با مضمونی مشابه اما با تفاوت در الفاظ نقل شده است:

«أَخْرَجْتُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ مِنَ النَّبِيِّينَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذَلِكَ لِمَا أُعْطِيَ فِي الدُّنْيَا» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق، ج ۳، ص ۵۶۴).

نگاهی به نقل محدث جزائری در النور المبین مشابهت تام با نقل بحار را به دست می‌دهد و او نیز هم چون استاد خویش از الفاضی از حدیث بهره جسته که متفاوت با اصل مصدر است:

«أَخْرَجْتُ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ ذَلِكَ لِمَا أُعْطِيَ فِي الدُّنْيَا» (جزائری، ۱۴۰۴ ق، ص ۳۴۱).

از چنین پیشامدی می‌توان احتمالاتی را متصور دانست:

۱. یا اینکه محدث جزائری به شدت از کتاب بحار الأنوار تأثیر پذیرفته و به اصل مصادر رجوع نکرده است؛ از نتیجه‌ی این احتمال چنین بر می‌آید که جزائری بحار را در مقابل خویش گذارده و اقدام به گزینش روایات نموده است.

۲. یا محدث جزائری نسخه‌ای که از اصل مصدر در اختیار داشته، همان

نسخه‌ی علامه مجلسی بوده است و با نسخه‌ای که امروزه در اختیار ما است و بر طبق آن کتاب السرائر به چاپ رسیده متفاوت باشد.

۳. یا اینکه خود جزائری در این بخش از کتاب بحار الأنوار کمک مستقیم به علامه مجلسی داده و هنگام نگارش النور المبین دیگر نیاز به مراجعه به اصل مصادر را احساس نمی‌کرده است.

آنچه پیش‌تر به تفصیل سخن از آن گذشت، احتمال سوم را تقویت می‌کند. این احتمال نیز کاملاً طبیعی می‌نماید، زیرا جزائری در تألیف بحار الأنوار از هیچ همیاری علمی به استاد خود دریغ ننموده و بسیار محتمل است که در امر رجوع به مصادر، وی از شاگردان پیش‌گام در این عرصه باشد. بر فرض این احتمال، دیگر ضروری نمی‌نماید جزائری در تألیف النور المبین مستقیماً به مصادر رجوع کند، چراکه پیش‌تر در معاضدت تألیف بحار این امر را بر خود هموار نموده است.

اما باید در یک جمع‌بندی چنین اظهار داشت: به نظر می‌رسد مشابهت کلام محدث جزائری با آنچه در بحار الأنوار بازتاب یافته به دلیل همکاری و معاضدت فکری وی با علامه مجلسی بوده است؛ چه آنکه شواهدی بسیاری در دست است که هر دو عالم در تبیین مفهوم پاره‌ای روایات واحد به بیان و شرحی همت گمارده که متفاوت از یک‌دیگر است؛ از باب نمونه، می‌توان به شرح زیارت جامعه‌ی کبیره اشاره داشت که نگرشی اجمالی به شرح محدث جزائری، عدم مشابهت با شرح مجلسی بر جامعه‌ی کبیره در بحار الأنوار و ملاذ الأخیار را به دست می‌دهد (نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۹۹، صص ۱۴۴، ۱۳۴؛ همو، ۱۴۰۶، ق، ج ۹، صص ۲۴۸-۲۷۸ مقایسه شود با: جزائری، ۱۴۳۳، ق، سرتاسر). از این رو

این نتیجه حاصل می‌گردد که مشابهت بیان محدث جزائری با علامه مجلسی تنها در آن بخش‌هایی از بحار الأنوار صادق است که جزائری، خود در تحریر آن نقش به‌سزایی ایفا نموده است.

۲.۴. تفاوت میان دو کتاب

۱. با مراجعه‌ی مستقیم به بحار الأنوار و بر طبق شمارشگر نرم‌افزار جامع الاحادیث در زیربخش «حدیث» با نگرش تجمیعی به روایات تاریخ الانبیاء، تعداد ۲۴۰۰ روایت در قالب ۸۲ باب کلی و جزئی در این کتاب به دست داده می‌شود. این در حالی است که اتخاذ این عملکرد در کتاب النور المبین به جهت رویکرد اختصاری محدث جزائری عدد ۱۰۸۰ روایت را نمایش می‌دهد.

۲. هدف اصلی مؤلف بحار الأنوار جمع‌آوری روایات برای جلوگیری از تلف شدن و از بین رفتن آنها بوده، لذا در آن به اسناد روایات حتی الامکان به طور کامل و مسند ذکر شده است تا آن را از حالت مرسل و منقطع خارج نماید؛ از این رو سندها به طور دقیق و موشکافانه ذکر شده و در انتخاب آنها به بهترین نسخه‌های موجود از آن اخذ شده است، حال آنکه کتاب النور المبین مرحوم جزائری به دلیل تفاوت مبنا، هدف و غایت در نگارش کتاب، که نقل به اختصار برای استفاده‌ی حداکثری ذکر گردیده، روایات را به صورت مرسل در کتاب خویش نقل نموده است. البته این ایرادی به نویسنده وارد نخواهد کرد، چراکه سند تمامی روایات در جوامع روایی موجود است و پژوهشگر خواهان بررسی‌های محققانه به این جوامع می‌تواند رجوع کند. البته این سخن بدین معنا نیست که در بحار الأنوار تمام روایات از صحیح و سقیم گردآوری شده‌اند؛ بلکه معیار

نخستین مؤلف اخذ به روایات معتبر بوده و در مواردی نیز به علل و معایب موجود در احادیث که در زمره‌ی دانش علل الحدیث جای می‌گیرد، اشاره شده است؛ به عنوان نمونه، نقد علامه مجلسی به سخنان صوفیه با اضغاث احلام خواندن متنی که به عنوان حدیث به امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ نسبت داده شده است (همو، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۸، ص ۸۵). شایان ذکر است که علامه مجلسی پس از اتمام امر بحار، قصد تألیف مستدرک البحار را نیز داشته که توفیق آن حاصل نشده است (همان، ج ۱، ص ۴۶).

۳. علامه مجلسی در بحار الأنوار برای کتاب‌ها و مصادر پر استعمال رمزهایی را در نظر گرفته است که برای عدم ذکر نام طولانی کتاب از آن بهره می‌برد. این عملکرد اندکی موجب اختصار در کتاب می‌گردد، چه آنکه به جای نام کامل مصدر تنها به ذکر یک یا چند حروف متوالی اکتفا می‌گردد. این رویکرد یک امتیاز اختصاری برای کتاب محسوب می‌گردد؛ زیرا نه تنها سند به حالت ارسال در نمی‌آید، بلکه به مختصرترین گونه به مصدر روایت توجه داده می‌شود. به عنوان نمونه: کتاب امالی شیخ صدوق با رمز «لی»، امالی شیخ طوسی با «ما»، علل الشرایع صدوق با عَلَيْهِ السَّلَامُ، معانی الاخبار با «مع»، خصال با «ل»، ارشاد شیخ مفید با «شا» و ... اما این رهیافت مبتکرانه و بهره‌گیری از رموز در النور المبین مشاهده نمی‌شود. محدث جزائری در مواردی نام مصدر را عیناً ذکر می‌کند و در مواردی اصلاً اشاره‌ای ندارد (نک: سرتاسر کتاب).

۴. در النور المبین تا باب دوازدهم به عدد و شماره‌ی هر باب اشاره می‌شود، اما از شماره‌ی ۱۲ به بعد این شماره‌های مسلسل وار ادامه نمی‌یابد. این در حالی است که در بحار الأنوار ابواب کلی شماره ندارند و در هر زیرباب که جزیی از باب

کلی محسوب شده، به طور مجزا از دیگر ابواب، شماره ذکر می‌شود.

۵. تعداد ابواب اصلی کتاب النور المبین بیش از بحار است. حال آنکه بحار الأنوار به دلیل تفصیل در مباحث جزئی زیرباب‌هایش بیشتر است.

۶. پیش‌تر از دغدغه‌ی دو عالم در شباهت‌ها سخن به میان آمد، اما این دغدغه در عین شباهت، تفاوت‌هایی نیز داراست؛ علامه مجلسی دغدغه‌ی حفظ احادیث را داشته با روایت کردن به تفصیل، اما محدث جزائری برای بهره‌گیری هرچه بهتر و سهل‌تر مخاطب، روایت کردن به اختصار را سرلوحه‌ی کار خویش قرار داده است.

۷. جزائری برای مسائل و مطالب مقدماتی هم‌چون «عصمت انبیاء» و «علت بعثت» و ... بابتی مستقل نمی‌گشاید و این موارد را در خاتمه‌ی مقدمه‌ی خویش و پیش از باب اول خود طرح می‌کند (نک: جزائری، ۱۴۰۴، ق، صص ۱۹-۱۱) در حالی که علامه ۴ باب از ابتدای ابواب نبوة العامة خود را به مباحث و جستارهای مقدماتی می‌گذراند (نک: مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۱۱، صص ۹۶-۱). هرچند که هر دو برای این بخش از کتاب خود از روایت بهره‌جسته‌اند.

۸. بحار الأنوار به همه‌ی آیات قرآن و تفسیر آنها توجه داده، اما النور المبین به دلیل اختصار به موارد محدود و در حدّ کفایت اشاره نموده است (به عنوان نمونه: جزائری، ۱۴۰۴، ق، صص ۲۲ و ۳۱).

۹. روایات کتاب بحار در یک باب دارای شماره‌ی حدیث هستند و این امر دارای مزایای بسیاری است؛ پیش از همه به نظم کتاب تدوینی یاری می‌رساند. اما این عملکرد در النور المبین مشاهده نمی‌شود و روایات دارای شماره نیستند.

۱۰. در پاره‌ای موارد، بیان محدث جزائری ذیل یک حدیث طولانی‌تر از بیان علامه مجلسی ذیل همان حدیث است (نک: همان، ص ۷۶ و مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱، ص ۳۲۰) مطلب پیش‌گفته از این مهم جلوه می‌کند که رویکرد جزائری در النور المبین اختصار در گفتار است. از این رو احتمال اهمیت بیشتر آن بحث از منظر جزائری قابل تصور است.

۱۱. در النور المبین روایاتی به چشم می‌خورد که با این الفاظ در بحار الأنوار ثبت نگردیده است و مشابه آن نیز در بخش مشابهت‌یابی نرم‌افزار جامع الاحادیث رؤیت نگردید. به نظر می‌رسد محدث جزائری به مضمون این روایات توجه داده است. به عنوان نمونه:

«الْوَارِدُ فِي أَكْثَرِ الْأَخْبَارِ: أَنَّ الْأَنْبِيَاءَ يُوَلَّدُونَ مَخْتُونِينَ وَ فِي بَعْضِهَا أَنَّ غُلْفَهُمْ وَ سَرَّرَهُمْ تَسْقُطُ يَوْمَ السَّابِعِ» (جزائری، ۱۴۰۴ ق، ص ۹۸ نیز روایات دیگری در صفحات پسینی).

پاره‌گزاره‌ی «الْوَارِدُ فِي أَكْثَرِ الْأَخْبَارِ» می‌تواند مؤید نقل به مضمون این روایت باشد؛ در این دست روایات محدث جزائری به تبیین روایات و وجه جمع آنها پرداخته و با بهره‌گیری از دانش اختلاف الحدیث به حلّ مشکل این احادیث همت گمارده است (همان، ص ۹۹-۹۸). به نظر می‌رسد این رویکرد حل اختلاف الحدیثی محدث جزائری تأثیر پذیرفته از جریان حدیثی استاد خود، علامه مجلسی باشد؛ زیرا نمونه‌ای از این دست در بحار الأنوار مشاهده می‌شود (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۱، ص ۳۲، ۲۴۲ و ...).

۱۲. در این بین روایاتی نیز مشاهده می‌شود که تنها محدث جزائری در ذیل

آن توضیح ارائه نموده و تبیینی از علامه مجلسی مشاهده نمی‌گردد؛ به عنوان نمونه تبیین لفظ «شیعه» و «رافضه» در ذیل روایتی از امام باقر علیه السلام که به همراه نقل آیه‌ی «وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ» این اسم را گوارای شیعه دانسته است (جزائری، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۰۱).

۵. نتیجه

۱. بحار الأنوار با همت علامه مجلسی و با یاری برخی شاگردان وی به سان محدث جزائری در ۲۵ جلد حجیم در مکتوبه‌ی خطی قدیم و در چاپ‌های جدید در ۱۱۰ جلد تنظیم شده است. تاریخ الانبیاء این کتاب در جلد پنجم قدیم استقرار یافته که جلد ۱۱ تا ۱۴ چاپ جدید را شامل گردیده است. نگرش رقم‌محور به این بخش، ۲۴۰۰ روایت را به دست می‌دهد. این در حالی است که النور المبین جزائری به جهت هدف اختصار، مجموعه‌ی سرگذشت تاریخ پیامبران را در ۱۰۸۰ روایت گردآوری نموده است.

۲. امکان‌سنجی تأثیرپذیری تعاملی دو کتاب، از رهگذر دو رویکرد مؤلف‌محور و متن‌محور ردیابی گردید. شاخصه‌ی نخستین در رهیافت مؤلف‌محور، توجه‌دهی به رابطه‌ی استاد و شاگردی میان علامه مجلسی و محدث جزائری محل اعتنا گردید. جزائری به عنوان یکی از شاگردان پیش‌گام در هم‌فکری و معاضدت علمی به استاد خویش، شناسایی و نقش وی در نوشتار حاضر برجسته گردید؛ شرح‌نویسی بر برخی احادیث مشکل، حلّ پاره‌ای مصالح تألیفی و ... از جمله یاری‌رسانی‌های جزائری در قوام یافتن بحار الأنوار و تأثیرگذاری بر آن به‌شمار می‌آید.

۳. تتبع در شناسایی اساتید مشترک این دو عالم، در سامان دهی تجمیع‌نگر در رهیافت مؤلف‌محور و امکان‌سنجی این تأثیرپذیری محل التفات قرار گردید. «شیخ حر عاملی» و «ملا محسن فیض کاشانی» دو استاد مشترک علامه مجلسی و محدث جزائری هستند که به سان یک احتمال می‌تواند گزاره‌ی «احتمال تأثیرپذیری مشترک دو پی‌جوی دانش از یک استاد واحد» را به ذهن متبادر سازد.

۴. در رهیافت متن‌محور به جهت امکان‌سنجی تأثر، مستقیماً متن کتب مورد التفات است که در دو بخش «شبهات‌ها» و «تفاوت‌های میان دو کتاب» پیگیری گردید. «دغدغه‌ی دو مؤلف در توجه دادن به روایات شیعی ائمه ع‌الیه‌السلام در تاریخ انبیاء، مصادر مشترک، شبهات در عناوین اصلی و فرعی ابواب، مکتب فکری واحد مؤثر در خوانش‌گری روایات، تشابه در لفظ و گاه مضمون بیانات تبیینی در ذیل روایات و هم‌گونی بهره‌گیری مؤلفان از لفظ واحد یک روایت»، از جمله شبهات‌های عمده میان بحار الأنوار و النور المبین شناسایی گردیده است.

۵. مناشئ اصلی این شبهات‌ها، همکاری و معاضدت فکری محدث جزائری در سامان‌دهی بخش‌هایی از بحار الأنوار است؛ عدم مشابهت شروح این دو عالم به گاه تبیین یک حدیث خاص غیر از تاریخ انبیاء نمایانگر این است که این مشابهت‌ها تنها در بخش‌هایی از بحار الأنوار صادق است که جزائری، خود در تحریر آن نقش به‌سزایی ایفا نموده است.

۶. از جمله تفاوت‌های میان دو کتاب در خوانش‌گری امکان‌سنجی تأثر در رهیافت متن‌محور نیز می‌توان به این نمونه‌ها اشاره داشت: «میزان بهره‌گیری

از روایات از منظر اعداد و ارقام، اختلاف در مبانی و اهداف گردآوری، تفاوت در تبویب با نگرش اصلی و فرعی و برخی تفاوت‌های درون‌متنی هم‌چون: التفات بیشتر علامه مجلسی به تفسیر آیات، بهره‌گیری از رموز برای کتب و ...».

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن‌ابی‌زینب النعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبة، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق، ۱۳۹۷ ق.
۳. ابن‌ادریس الحلّی، محمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، تحقیق: حسن بن احمد الموسوی و ابو الحسن ابن مسیح، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، ۱۴۱۰ ق.
۴. احمد، عابدی، آشنایی با بحار الأنوار، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ ش.
۵. امین، سید محسن، أعیان الشیعة، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۶. پاینده، حسین، مرگ مؤلف در نظریه‌های ادبی جدید، نامه‌ی فرهنگستان، زمستان ۱۳۸۵ ش، صص ۴۴-۲۶.
۷. جزائری، سید نعمة الله، نور البراهین، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۸. همو، كشف الأسرار في شرح الإستبصار، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۰۸ ق.
۹. همو، الأنوار النعمانیة، تحقیق: محمد علی القاضی الطباطبایی، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۳۱ ق.

۱۰. همو، **النور المبين في قصص الأنبياء و المرسلين**، قم، مكتبة آية الله المرعشي النجفي، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. همو، **شرح الزيارة الجامعة الكبيرة: مستخرجة من كتاب غاية المرام، تحقيق: احمد العبيدان الأحسائي**، قم: دار الكرامة، ۱۴۳۳ ق.
۱۲. جزائري، محمد، **نابغه فقه و حديث: سيد نعمت الله جزائري**، قم: مجمع الفكر الاسلامي، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. حسيني، سيد احمد، **تلامذة العلامة المجلسي و المجازون منه**، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۱۰ ق.
۱۴. درايي، مصطفى، **فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)**، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی ایران، بی تا.
۱۵. سبحانی، جعفر، **موسوعة طبقات الفقهاء**، قم: مؤسسه امام صادق، ۱۴۱۸ ق.
۱۶. سيد رضی، محمد بن حسین بن موسی، **نهج البلاغة**، تحقيق: صبحی صالح، قم: دارالهجرة، ۱۴۱۴ ق.
۱۷. صدوق، محمد بن علی، **التوحيد**، تحقيق: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۱۸. همو، **الخصال**، تحقيق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۱۹. همو، **كمال الدين و تمام النعمة**، تحقيق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۵ ق.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم، **التفسير**، تحقيق: طیب موسوی جزائری، قم: دار الكتاب، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الكافي**، تحقيق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

۲۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۳. همو، ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، تحقیق: مهدی رجائی، قم: کتاب‌خانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ ق.
۲۴. مهدوی‌راد، محمد علی، مقدمة المعجم المفهرس لالفاظ احادیث البحار، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.

